

## ماجرای محاصره قسطنطنیه

حوادث محاصره قسطنطنیه و صدماتی که اعراب مسلمان در آن پیکارها متحمل گردیدند و سستی و پراکندگی که در نیروهای آنها پدید آمد ، باعث شد که جنگ با رومیان ، در شرق و غرب با اهمیت فوق‌العاده تلقی شود و قوای اسلام را بطور موقت متزلزل سازد . این علل و جهات موجب گردید که پیمان صلحی بمدت چهل سال میان معاویه خلیفه اموی شام و امپراطور روم منیقه گردد .

چنانکه گفتیم مسلمانان از روز نخست به این قصد قسطنطنیه را مورد هجوم قرار دادند که بتوانند از آن راه ، روی به غرب آورند و دعوت اسلام را در میان ملل اروپا منتشر سازند . ولی هنگامیکه سپاهیان آنها از مقابل دیوارهای قسطنطنیه عقب نشست ، برای دست یافتن به اروپا راه دیگری را انتخاب کردند .

بدینگونه که بعد از اشغال شمال آفریقا وارد اسپانیا شدند و مملکت «وزیجت»ها را فتح نموده و سلسله جبال «پیرنه» تا «الیسیا» را تصرف کردند .

موسی بن نصیر نظام‌دهنده این فتوحات نیز در این اندیشه بود که اروپای مسیحی را از غرب تا شرق دور زده و از راه قسطنطنیه به دمشق پایتخت آنروز اسلام ، باز گردد و اسلام را در اروپای مسیحی و قلمرو روم شرقی گسترش دهد . ولی در آن اوقات ، اوضاع خلافت دمشق و اختلافاتی که میان حکمرانان آنجا بوجود پیوست موجب شد که فتوحات اسلامی در جنوب فرانسه متوقف گردد .

\* \* \*

سیاست دولت اسلام بر این فکر استوار بود که قسطنطنیه را فتح کرده و از راه روم شرقی وارد اروپا گردد . در سال ۹۶ که سلیمان بن عبدالملک در شام بخلافت رسید ، مسلمانان از لحاظ قدرت جنگی و نیرومندی به آخرین مراحل رسیده بودند . بمکس دولت روم شرقی روبرو انحلال و ضعف می‌رفت و دچار نزاع و کشمکش شده بود . بطوریکه فقط در مدت بیست سال شش تن از قیصرها روی کار آمدند و معزول شدند .

از یکطرف بلغارها و اسلاوها اقلیم‌های شمالی آنرا اشغال کردند و به پشت دیوارهای

پایتخت رسیدند ، و از طرف دیگر قوای اسلام آسیای صغیر را پیموده و دامنه پیکارهای خود را به سواحل « بسفر » گشاندند .

هنگامیکه سلیمان بن عبدالملک به خلافت رسید ، قسطنطنیه در معرض انقلاب های داخلی و جنگهای خانگی بود ، و در مدت شش سال سه نفر از امپراطوران یکی پس از دیگری روی کار آمدند ..

این سه تن به ترتیب « انستاسیوس دوم » (نسطاس) بود که در سال ۷۱۱ میلادی زمام امور را بدست گرفت سپس « تیودیس سوم » و بعد از او « لیون سوم » در سال ۷۱۷ روی کار آمدند . سلیمان بن عبدالملک با استفاده از این فرصت ها قوای عظیمی مرکب از نیروهای زمینی و دریائی بسیج کرد و با سازوبرگه کافی برای جنگ تابستانی و زمستانی در قسطنطنیه ، مهیا ساخت .

سپس برادرش « مسلمة بن عبدالملک » را بفرماندهی سپاه مزبور گماشت و دستور داد که روی به قسطنطنیه بگذارد و به هر قیمتی که شده است پایتخت روم شرقی را بگشاید . « مسلمة » در اوائل سال ۹۸ هجری مطابق ۷۱۶ میلادی ارتفاعات اناتولی را پشت سر نهاد و پس از اشغال چندین شهر و دژهای نظامی دشمن ، روی به عموریه (امور سوم) پایگاه اناتولی گذاشت و آنرا به محاصره گرفت .

حکمران « عموریه » در آن هنگام « لیون آسوری » افسری جنگ دیده و فوق العاده ذریک و جسور بود چون « لیون » در صدد قیام بر ضد قسطنطنیه بود و میخواست زمام امور روم را بدست گیرد ، ناچار با « مسلمة » از در صلح وارد شد ، و بر اساس شروطی که در روایات اسلامی و رومی به اختلاف ذکر شده است با وی پیمان صلح بست .

روایات اسلامی میگوید : لیون در پیمان صلح تعهد کرد که « مسلمة » را در فتح قسطنطنیه راهنمایی و کمک کند . لیون قبلا هم چنین تعهدی با « سلیمان بن عبدالملک » کرده و او را مغرور نموده بود که وسائل حمله مسلمین را به قسطنطنیه فراهم آورد تا آنها به آسانی بتوانند پایتخت روم شرقی را تصرف کنند (۱)

ولی بروایت تاریخ « یزانی » : « لیون » مسلمانان را نصیحت کرد و بهیچوجه قصد نداشت که قسطنطنیه را به آنها تسلیم کند بلکه او میخواست راه را برای تأمین مقاصد خویش هموار سازد .

لیون با این افکار خود توانست از فرصت استفاده نماید و خود را « دره عموریه » بعنوان

قیصر روم اعلام کند لیون پس از تأمین این منظور بانبروهای خود رو بسوی قسطنطنیه نهاد و سپاه «تیودیس» را که بچنگ وی آمده بودند شکست داد .  
 امپراطور «تیودیس» نیز از پایتخت خارج شد و یکی از دیرها پناه برد .  
 «لیون» با سپاه فاتح خود وارد قسطنطنیه شد و در سال ۷۱۷ میلادی بعنوان ولیون سوم، تاج امپراطوری روم را بر نهاد .

\* \* \*

«مسلمه» در بهار همان سال یعنی اواخر ۹۸ هجری با سپاه عظیمی بحرکت در آمد و ناوگان خود را وارد آبهای مرمره کرد . سلیمان سخت در اندیشه این کار بود ، و بهمین منظور برادرش «مسلمه» را با نیروهای دیگری تقویت نمود و از کلیه نقاط و سرحدات نیرو جمع آوری کرد .

«مسلمه» بر جاموس را تصرف نمود و بانبروهائی که تا آن روز اسلام برای نبرد بانصارا بسیج کرده بود ، به پشت دروازه های قسطنطنیه رسید .

روایات «بیزانسی» سپاهیان مسلمه را در این لشکرکشی هشتاد هزار جنگجو دانسته و کلیه سپاهیان اسلام را که از راه دریا و خشکی به کنار دیوارهای قسطنطنیه رسیدند به یکصد و هشتاد هزار جنگجو تخمین زده است .

«مسلمه» از (اییدویس) ناوگان اسلام را حرکت داده و دریا را پشت سر گذاشت و سپاهیان خود را به ساحل اروپائی در دانیل (هلیس) منتقل ساخت . آنگاه از کرانه های دریای مرمره گذشت و به قسطنطنیه رسید .

«مسلمه» قسطنطنیه را بانبروهای عظیمی از راه دریا و خشکی محاصره نمود و منجنیق های سنگین برای درهم کوبیدن دیوارهای شهر نصب کرد .

مسلمانان نخست تصمیم گرفتند که بایک هجوم و حمله ناگهانی شهر را تصرف کنند ، ولی بمداذکوش فراوان و زحمات زیاد متوجه شدند که استحکام دیوارهای شهر و مهارتی که مهندسان رومی در بنای آن بکار برده بودند ، و انبوه آلات دفاعی مانند پر تاب «آتش یونانی» و سنگهائی که بر سر آنها فرومی ریخت ، مانع از آنست که به آسانی بتوانند شهر را فتح کنند .

در آن هنگام «مسلمه» تصمیم گرفت که بجای حمله، شهر را سخت به محاصره طولانی بگیرد . از این رو با شدت هر چه تمامتر اطراف قسطنطنیه را زیر نظر گرفت و کلیه ارتباطات آنرا از ناحیه خشکی قطع کرد .

« مسلمه » در ضمن دستور داد خندق عمیقی در اطراف لشکر گاه حفر کنند و اطراف خندق را نیز با سد محکمی محصور نمایند سفاین جنگی هم ارتباط شهر را از ناحیه دریا قطع کردند .

این سفاین بزرگترین ناوگان جنگی بود که تا آنروزه مسلمانان بسیج کرده بودند تعداد کشتی های مسلمانان در این لشکر کشتی طبق روایت مورخان « بیز انسی » بالغ بر یک هزار و هشتصد کشتی بزرگ جنگی و سفاین حمل و نقل بود .

فرمانده نیروی دریائی اسلام « سلیمان بن معاذ نطاکی » (۱) تصمیم گرفت که ناوگان خود را به دو ستون بزرگ تقسیم کند . ستون اول سواحل آسیائی مرزهای « اتر بیوس » و « انتموس » را تحت مراقبت قرار دهد تا خواریار پایتخت را از راه جزائر دریای « اژه » قطع کند . ستون دیگر ساحل اروپائی و « بسفر » را بمنظور قطع هر گونه ارتباط شهر تا حدود دریای سیاه بخصوص « شرمسون » و « طرابوزان » زیر نظر گرفتند .

اولین جنگ دریائی هنگام حرکت کشتی ها بطرف اسکله های خود بوقوع پیوست . زیرا در همان هنگام باد و موج طوفان سهمگینی پدید آورد که باعث بهم خوردن کشتی ها شد . رومی ها نیز از این فرصت استفاده کردند و « آتش یونانی » را بروی آنها فروریختند .

بعضی از کشتی ها سوختند و برخی دیگر را بطرف پائین دیوار شهر عقب راندند .

فرمانده ناوگان اسلام تصمیم گرفت که آن شکست جزئی را با پیروزی بردشمن جبران کند . بدین منظور نیرومندترین سفاین جنگی با چندین ستون از بهترین و شجاع ترین سربازان خود را مهیا ساخت و بطرف دیوارهای شهر حرکت نمود .

فرمانده کوشش سختی بعمل آورد که شهر را اشغال کند ولی « لیون » امپراطور قسطنطنیه که خود را کاملاً آماده دفاع کرده بود بیکار نه نشست و مهاجمین را با سیلی از آتش یونانی عقب زد .

« سلیمان » نیز ناوگان خود را که در سواحل اروپائی « بسفر » بودند بطرف خلیج

« سوتیان » حرکت داد (۲)

۱ - روایات اسلامی نام فرمانده ناوگان اسلام را ذکر نکرده است ، ولی چون روایت بیز انسی میگوید که نام وی « سلیمان » بوده و سلیمان بن معاذ نطاکی هم طبق روایات اسلامی از فرماندهان این حمله بوده است ، از اینرو ظاهراً باید فرمانده این ناوگان ، او باشد .

۲ - فین لای : یونان - زیر نفوذ کلیسای رم